

نظام کیهانی و برهان نظم از نگاه قرآن

حجت الاسلام دکتر محمد جواد اسکندریلو* (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

چکیده

قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان، کتابی است جاودانی و جهان شمول که همه مطالبی را که به تناسب در ابعاد گوناگون مطرح نموده، در راستای هدایت بشر و تعلیم و تربیت او بیان نموده است و هر یک از مباحث علمی و کیهان‌شناسی و اخترشناسی نیز از این اصل مستثنا نیست. نوشتار حاضر در صدد تبیین همین هدف نگاشته شده است. در این نوشتار، ابتدا مفهوم نظم و وجود آن در سراسر هستی مطرح شده، آنگاه جلوه‌های الهی در کرات آسمانی، برهان نظم در اجرام آسمانی از نگاه علامه طباطبائی، رتق و فتق آسمان‌ها، توسعه آسمان، جایگاه انسان در کیهان مطرح شده و در پایان، اهداف قرآن از طرح مباحث کیهان‌شناسی مورد اشاره قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: قرآن، برهان نظم، نظام کیهانی، کرات آسمانی، انسان.

مقدمه

همان گونه که مشاهده هر یک از مخلوقات ما را متوجه سازنده آن می کند، دقت و نظامی که در هر یک از آنها به چشم می خورد، ما را متوجه یگانگی او نیز می نماید؛ همان نظم شگفتی که هم در فرد مخلوقات دیده می شود و هم در مجموع آنها؛ مثلاً چشم خود نظامی دارد و نسبت به سایر اعضا نیز نظامی دارد. کرات آسمانی هر کدام به تنهایی دارای نظامی است و نسبت به سایر کرات نیز نظامی دارد. خداوند حکیم در آیه ۱۶۴ بقره برخی از پدیده های آفرینش را نام می برد تا یکتایی خود و توجه آدمیان را به عظمت پروردگار بیان نماید؛ «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»؛ «قطعاً در آفرینش آسمان ها و زمین و پی در پی آمدن شب و روز و کشتی هایی که در دریا روان اند، با آنچه به مردم سود می رساند و آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن، زمین را پس از مردنش زنده نموده و از هر گونه جنبه ای در آن پراکنده کرده و (هم چنین در) دگرگونی بادها و ابرهایی که میان آسمان و زمین مسخر است، نشانه هایی هست برای گروهی که خردورزی می کنند».

نظم و هماهنگی در همه جا یکی از دلیل های یکتایی پروردگار است؛ به سخن دیگر، هماهنگی و نظام شگفت انگیزی که در هر موجود از جمله اجرام آسمانی به چشم می خورد، ما را به یگانگی مبدأ آفرینش راهنمایی می کند.

جلوه های الهی در کرات آسمانی

آفرینش آسمان پرشکوه، این همه کرات عالم بالا، میلیون ها آفتاب درخشان و ستارگان زیبا و دل انگیز که در یک شب تاریک و پرستاره با چشمک زدن های پر معنی با ما سخن می گویند، و هزاران عالم بزرگ دیگر که با چشم دیده نمی شوند و به مراتب از آنچه با چشم می بینیم بیشتر و برتر و بالاتر است، با آن نظام دقیق و عجیب خود که سراسر آنها را همچون حلقه های یک زنجیر به هم پیوسته است و هم چنین آفرینش زمین با انواع

مظاهر حیات و زندگی نباتی و حیوانی، همه و همه جلوه‌های ذات پاک او و آیینۀ درخشان قدرت، علم و یگانگی او هستند. تنها در کهکشان‌ی که منظومه شمسی ما، جزیی از آن است و یکی از هزاران کهکشان عالم بالا به شمار می‌رود، صدها میلیون خورشید و ستاره درخشان هست که در میان آنها طبق محاسبات دانشمندان، میلیون‌ها سیاره مسکون با میلیاردها موجود زنده وجود دارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱/ ۴۱۰).

هم‌چنین دانه‌های حیات‌بخش باران و قطرات پر برکت این آب تصفیه شده و پاک طبیعی که به هر جا بریزد، زندگی و حیات، حرکت و برکت، آبادی و نعمت، همراه خود می‌آورد و آن همه موجودات زنده و جنبندگان که از این مایع بیجان جان می‌گیرند، همه پیام‌آور قدرت و عظمت او هستند.

علامه طباطبائی رحمته الله در زمینه برهان نظم در اجرام آسمانی می‌نویسد:

«برهان دیگر را از راه نظامی که در عالم است، اقامه می‌کنیم و آن عبارت است از اینکه اجرام جوی از لحاظ بزرگی و کوچکی و دوری و نزدیکی گوناگونند. کوچک‌ترین ذره‌ای که با دقت و تحقیق علمی یافت شده، چیزی حدود $10^{-24} \times 3/3 \text{ Cm}^3$ است و بزرگ‌ترین جرمی که تاکنون مشاهده شده، قطری معادل ۹۰۰۰ میل دارد که میلیون‌ها برابر حجم زمین است و فاصله نزدیک بین دو جرم آسمانی چیزی حدود سه میلیون سال نوری تخمین زده شده است. سال نوری تقریباً معادل $365 \times 24 \times 60 \times 60 \times 300,000$ کیلومتر است. حال به این ارقام بنگر که انسان عاقل را وحشت زده کرده و فکر را مبهوت می‌گذارد. قضاوت کن در عجیب و غریب بودن این پدیده‌ها و خلقت آنها که بعضی در بعضی دیگر اثر گذاشته و برخی از برخی دیگر اثر می‌پذیرند. هر ذره از عالم در هر کجا که بوده باشد، با تغییر در سیستم حرکتی و موقعیتی‌اش سایر اجزای عالم متأثر می‌گردند ... پس با همه این تحولات و دگرگونی‌ها که در عالم ریز و درشت کیهان به وقوع می‌پیوندند، انسان در هر موقعیتی از موقعیت‌ها که باشد، همه تحولات و تغییرات عجیب و غریب دنیا را مشاهده خواهد کرد و در این مشاهده که از بزرگ‌ترین اجرام آسمانی تا کوچک‌ترین ذرات ریز مولکولی و ریز اتمی را به نظاره می‌نشیند، کوچک‌ترین فرقی بین فرآیندهای حیاتی اشیای عالم نمی‌بیند همه ذرات عالم در یک فرآیند پیچیده ولی هماهنگ و یک‌دست به سوی

هدفی عالی در حرکتند. این یکنواختی و اتصال در روند حیاتی و تکاملی، بیانگر نظامی حکیمانه است که تحت تدبیر سازنده‌ای مهربان، کارگردانی پروردگاری یکتا و حکیم در تب و تابند» (طباطبایی، المیزان، ج ۲ (تفسیر آیه ۱۶۴ سوره بقره).

رتق و فتق آسمان‌ها و زمین

خداوند حکیم در این باره می‌فرماید: ﴿أَوَلَمْ يَرَأَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا﴾ (انبیاء / ۳۰). در این آیه تصریح شده که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بوده‌اند و سپس از هم گسسته شده‌اند.

مفسران در این پیوسته بودن و گسسته شدن زمین و آسمان‌ها اختلاف نظر دارند. بیشتر بر این نظر که مقصود از به هم پیوستگی و گسسته شدن، همان گشوده شدن درهای آسمان و ریزش باران است؛ ﴿فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ﴾ (قمر / ۱۱)؛ «و درهای آسمان را با آبی ریزان گشودیم». نیز بر این نظرند که منظور شکافتن زمین و روییدن گیاه است؛ چنانچه می‌فرماید: ﴿ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا﴾ (عبس / ۲۶-۲۷)؛ «سپس زمین را کاملاً شکافتیم و در آن دانه (ها) رویاندیم».

مرحوم طبرسی می‌نویسد: «و این معنا از دو امام (امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام) روایت شده است» (طبرسی، مجمع البیان، ۷ / ۴۵).

تفسیر دیگر این است که آسمان‌ها و زمین ابتدا به هم پیوسته بودند، سپس از هم جدا گشته، به این صورت در آمده‌اند. چنانچه در سوره فصلت می‌خوانیم؛ ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَواتٍ﴾ (فصلت / ۱۱-۱۲)؛ «و در آن (زمین، کوه‌های) استوار از فرازش قرارداد و در آن برکت نهاد و خوراکی‌هایش را در آن معین کرد، درحالی که برای درخواست کنندگان یکسان است. (و این کارها) در چهار روز (و دوره) بود * سپس به آفرینش آسمان پرداخت».

مطلب مذکور در آیه فوق مبین یک حقیقت علمی است که دانش روز، کم و بیش به آن پی برده است که منشأ جهان مادی به صورت یک توده گازی بوده است (معرفت، التمهید، ۶ / ۱۳۹-۱۲۹).

بیش از صد و پنجاه آیه قرآن درباره کیهان‌شناسی و ترغیب انسان‌ها به تفکر، تعقل و تدبیر در آفرینش آسمان‌ها و زمین است. این کتاب آسمانی در بسیاری از آیات از پدیده‌های نجومی نام برده و در برخی موارد به بحث پیرامون آن پرداخته است که این مطالب مقدمه خداشناسی و رهنمودی در کشف قوانین و رموز اشیاء و شگفتی‌های عالم هستی است (مسترحمی، قرآن و نجوم، دو فصلنامه قرآن و علم، شماره ۲، ص ۹۲).

آسمان در حال گسترش

به نظر برخی مفسران، قرآن در سوره ذاریات به این نکته علمی اشاره کرده و از توسعه آسمان‌ها سخن گفته است؛ «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات / ۴۷)؛ «و آسمان را با قدرت، بنایش کردیم و قطعاً ما گسترش دهنده هستیم». از ابن عباس در تفسیر آیه نقل شده است؛ «ما قدرت داریم که پدیده‌ای بزرگ‌تر از آسمان‌ها را نیز بیافرینیم» (طبرسی، مجمع البیان، ۹/ ۲۶۷). به نظر برخی خداوند در این آیه عظمت آفرینش آسمان‌ها را بیان می‌کند؛ یعنی آسمان آنقدر بزرگ است که زمین و فضای اطراف آن در برابرش چون حلقه‌ای در کویر است (فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۲۸/ ۲۲۷). دکتر رضایی اصفهانی ظاهر این آیه را هماهنگ با نظریه گسترش جهان می‌داند، ولی از آنجا که این نظریه هنوز به طور قطعی به اثبات نرسیده است، نسبت دادن قطعی این نظریه را به قرآن درست نمی‌داند و می‌نویسد: «اگر این نظریه روزی به طور قطع به اثبات برسد، می‌توان از این آیه اعجاز علمی قرآن را نتیجه گرفت» (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱/ ۱۴۸).

جایگاه انسان در کیهان

انسان امروز به سان بشر سحر خیز در صبح دم باستان، جایگاهی متعالی دارد و بسا جایگاه امروزی وی از موقعیت دیروز، متعالی‌تر و مهم‌تر است. او در این جایگاه می‌تواند هم به عالم بی‌نهایت (بسیار کوچک‌ترها) و عالم اتمی (حتی زیر اتمی) توجه کرده، نظر افکند و هم عالم بسیار بزرگ‌ترها را به نظاره بنشیند. این مطلب مورد تأیید و تأکید بسیاری از فیزیک‌دانان، مهندسان ژنتیک، اخترشناسان و کیهان‌پژوهان قرار گرفته است و کتاب‌های فراوانی در این زمینه نوشته‌اند (برای اطلاع بیشتر، ر. ک: روزاپتر، بازی با بی‌نهایت، ترجمه پرویز شهریاری).

حال انسانی که در مرکز دو بی‌نهایت قرار گرفته است، در هندسه پیچیده کیهان و بلکه فراتر از آن، در هندسه هستی، و خلقت از چه جایگاهی برخوردار است؟ تصور جایگاه این موجود اسرارآمیز و ناشناخته با اندکی تأمل و تفکر درباره یک رابطه عددی و ریاضی ساده ولی مهم تا حدودی روشن می‌شود.

تساوی « $3/4 \times 10^9 = 5/9 \times 10^9$ » را در نظر بگیرید که از لحاظ مرتبه بزرگی، دارای ارزشی مقبول و جالب توجه است. این رابطه عددی حاصل نسبتی از «اتم و انسان» و «انسان و خورشید» است که انسان در آن به عنوان «واسطه هندسی» (یا میانگین هندسی) بین اتم و خورشید است و به صورت ذیل تعریف می‌شود؛

$$\text{«خورشید / انسان = انسان / اتم»}$$

با توجه به جرم هر یک از انسان، خورشید و اتم و جایگذاری آن‌ها در نسبت مذکور، معادله و تساوی عددی مزبور به دست می‌آید. جرم این دسته به ترتیب عبارت است از:

$$\text{جرم یک انسان معمولی (حدوداً } 150 \text{ پوندی)} = 6/8 \times 10^4 \text{ g}$$

$$\text{جرم خورشید} = 2 \times 10^{33} \text{ g}$$

$$\text{جرم اتم هیدروژن} = 1/7 \times 10^{-24} \text{ g}$$

با توجه به این مقادیر فرمول مربوط به آن چنین ارایه می‌شود:

$$\frac{1.7 * 10^{-24} \text{ g}}{6.8 * 10^4 \text{ g}} = \frac{6.8 * 10^4 \text{ g}}{2 * 10^{33} \text{ g}} \quad 4.3 * 4 * 10^9 \text{ g} = 4.6 * 10^9 \text{ g}$$

باید نسبت به رتبه اعداد به دست آمده توجه بیشتری داشته باشیم؛ چرا که این رتبه در بزرگی میلیارد است و رقم قابل ملاحظه‌ای بین مرتبه سه و چهار از میلیارد وجود ندارد؛ زیرا با ارقام بسیار بزرگ، فقط رتبه ارقام مهم است، نه مرتبه عددی آنها و ما در اینجا با ارقام بسیار بزرگ سروکار داریم (لیوزپین، کاربردهای بی‌نهایت، ترجمه منوچهر میثاقیان).

یکی از ریاضی‌دانان خوش ذوق با طرح این رابطه چنین می‌نویسد:

«پانصد سال قبل در روزهای انقلاب علمی‌ای که دنیا را تکان می‌داد، انسان در مرکز عالم و زمینش ثابت بود. خورشید، ماه و ستارگان حول او در گردش بودند. او ساکن اصلی زمین و آفریده یکتا بود و حداقل، در ذهن غربی‌ها رابطه‌ای یکتا با آفریدگار خود داشت. انسان، انسان بیچاره در مرکز عالم قرار داشت. کشفیات پنج قرن گذشته دانشمندان

را به تجدید نظر کردن در موقعیت انسان در جهان هدایت کرد. انسان ساکن سیاره کوچکی است که حول خورشیدی می‌گردد که با اندازه‌ای متوسط در کهکشان بین میلیون‌ها کهکشان دیگر قرار دارد. از نظر زیستن، آخرین فرآورده یک فرآیند طولانی تکامل است و به گونه‌ای تنگاتنگ با شکل‌های دیگر زندگی در ارتباط است ... او و زمین بیچاره‌اش احتمالاً آفریده یکتا نیستند. ستاره‌شناسان برآورد کرده‌اند که احتمالاً بیلیون‌ها اجسام آسمانی وجود دارد که قادر به حفظ حیاتند. این تصویر که تا سال ۱۹۶۰ است؛ تصویری است که ایده در مرکز عالم بودن انسان را باطل می‌کند. با وجود این، دانشمندان معادله‌ای را که هم اینک مورد تحقیق قرار گرفت، فراهم کرده‌اند. وی در نیمه راه بین ستارگان و اتم‌ها [و به عبارتی صحیح‌تر، در وسط دو عالم بی‌نهایت]، موقعیتی مساعد اشغال کرده است. او می‌تواند به هر دو سو بنگرد، بزرگ و کوچک را مطالعه کند، و با تحلیلی بلند پروازانه، نظریه‌هایی ریاضی آفریده است که از هر دو سو به ورای حد دید می‌روند» (فیلیپ ج. دیویس، دانستنی‌های اعداد بزرگ، ۱۵۲).

این ریاضی‌دان با توجه به این رابطه، نتیجه‌ای معنوی و واقع‌بینانه از حقایق یافته شده از جهان گرفته تا موقعیت انسان بیچاره را در مرکزیت قرار گرفتن برای عالم تثبیت کند. ولی از سوی دیگر، کوچک‌ترین توجهی به اوج عظمت دو حد ورای دید و ضعف و کمترین بودن انسان در برابر آن دو عالم نداشته است. همین رابطه و اعداد و ارقامی نظیر نتیجه حاصل از معادله مذکور، انسان عاقل را به حقایقی فراتر از این حقیقت رهنمون می‌گردد؛ حقایقی همچون وحدت عالم (انسجام و نظم کیهان) و دقت و ظرافت خلقت، و از این رهگذر نیز به خالق بی‌نهایت حکیم رهنمون می‌گردد که چنین نظامی را بر پا ساخته و انسان ضعیفی را در مقام دستگاه مقیاس و سنجش تعبیه کرده است.

اهداف قرآن از طرح مباحث کیهان‌شناسی

با تأمل در آیات مختلف می‌توان به این نکته مهم پی برد که قرآن کتاب هدایت است و هدف اصلی از فرو فرستادن آن، رهنمونی انسان به سوی کمال است. خداوند حکیم برای نشان دادن راه کمال و صراط مستقیم به انسان‌ها از روش‌های گوناگون استفاده نموده و هر آنچه ممکن است در این راه به او کمک کند، به صورت‌های گوناگون بیان کرده است. گاهی به صورت قصه و داستان، گاهی با استدلال عقلی، گاهی با برانگیختن فطرت و وجدان و گاهی نیز با طرح مسأله‌ای علمی. در طرح مسائل علمی نیز اهداف خاصی را در نظر گرفته است:

یک - اثبات ناظم

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (بقره/۱۶۴)؛ «قطعاً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و پی در پی آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روان‌اند، با آنچه به مردم سود می‌رساند و آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن، زمین را پس از مردنش زنده نموده و از هرگونه جنبه‌ای در آن پراکنده کرده و (هم‌چنین در) دگرگونی باده‌ها و ابرهایی که میان آسمان و زمین مسخر است، نشانه‌هایی هست، برای گروهی که خردورزی می‌کنند».

دو - اثبات توحید و ربوبیت الهی

﴿أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَمْ يَكُنْ مَعَهُ اللَّهُ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ﴾ (نمل / ۶۱-۶۰)؛ «بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که آسمان‌ها و زمین را آفرید؟! و برای شما از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله‌ی آن، باغ‌هایی زیبا و سرورانگیز رویانیدیم؛ برای شما (قدرتی) نبود که درخت [های] آن را برویانید. آیا معبودی با خداست؟! (نه)، بلکه آنان گروهی منحرف‌اند».

سه - نشان دادن عظمت خداوند

﴿تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجاً وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجاً وَقَمَراً مُنِيراً﴾ (فرقان / ۶۱)؛ «خجسته (و پایدار) است آن (خدایی) که در آسمان برج‌هایی قرار داد و در آن، چراغ (= خورشید) و ماهی روشنی‌بخش قرار داد».

چهار - بیان نظم و انسجام طبیعت

﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ﴾ (ملک / ۳)؛ «(همان) کسی که هفت آسمان را طبقه‌بندی شده آفرید. هیچ تفاوتی (تناقض گونه) در آفرینش (خدای) گسترده‌مهر نمی‌بینی. پس دیده را برگردان؛ آیا هیچ شکافی می‌بینی؟!».

پنج - بیان امکان داشتن معاد و تحقق حتمی آن

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَغْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُخَيِّطَ الْمَوْتَى بَلَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (احقاف / ۳۳)؛ «و آیا اطلاع نیافته‌اند که خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده و از آفرینش آنها درمانده نشده است، بر زنده کردن مردگان تواناست؟! آری؛ [چرا] که او بر هر چیزی تواناست».

شش - تشویق به استفاده از طبیعت

هفت - یاد آوری نعمت های الهی و ترغیب به شکر گذاری و ...

(مسترحمی، قرآن و کیهان‌شناسی، ص ۴۶-۴۲).

به سخن دیگر، خداوند حکیم همه مخلوقات را به خاطر انسان آفرید و او را خلیفه خود در زمین قرار داد و همه گونه نعمت و موهبت در زمین و آسمان برایش فراهم آورد تا آنکه او به معرفت حق نایل آید و از طریق اطاعت و بندگی حق به کمال واقعی برسد؛ بنابراین، طرح مباحث علمی و کیهانی در قرآن کریم جنبه آصلی ندارد، بلکه بیان آنها در راستای تعلیم و تربیت انسان است.

آیت الله معرفت رحمته الله در این زمینه می‌نویسد: گاهی در تعبیر قرآن به برخی از اسرار طبیعت اشارت رفته است. این اشارت حالت «تراوشی» دارد که از لابه‌لای سخن پروردگار سر زده است و گر نه مقصود ذاتی و هدف اصلی از سخن، بیان آن جهت نبوده است. لذا هیچ گاه در این گونه اشارات درنگ نشده و به طور کامل بیان نگردیده است، زیرا هدف اصلی قرآن، ارایه رهنمودهای هدایتی و تعلیم و تربیت دینی و معنوی است و تنها نکته سنجان هستند که به این رموز و اشارات گذرا پی می‌برند» (معرفت، علوم قرآنی، ۳۰۶).

نتیجه

قرآن، کتاب هدایت و تعلیم و تربیت است. این کتاب آسمانی، گرچه علمی است، لیکن نمی‌توان آن را کتاب علم نامید؛ یعنی در صدد بیان و آموختن دانش‌های بشری نیست و طرح مباحث کیهانی و نجومی در قرآن نیز به منظور اهدافی همچون برهان نظم به منظور اثبات یگانگی و ربوبیت و عظمت خداوند می‌باشد تا بشر بتواند در پرتو آن به قرب الهی و کمال واقعی خود نایل آید.

منابع

۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، ۱۳۸۶ ش، چاپ دوم.
۲. روزاپتر، بازی با بی‌نهایت، ترجمه پرویز شهریاری، تهران، بی‌تا.
۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، قم، انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.
۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بی‌جا، مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۵ ق.
۵. فخر رازی، تفسیر الکبیر، بیروت، نشر دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق.
۶. فیلیپ ج. دیویس، دانستی‌های اعداد بزرگ، ترجمه علی عمیدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ ش.
۷. مسترحمی، سید عیسی، قرآن و کیهان‌شناسی، قم، مؤسسه فرهنگی پژوهش‌های قرآنی المهدی، ۱۳۸۷ ش.
۸. _____، قرآن و نجوم، دوفصلنامه قرآن و علم، شماره ۲.
۹. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۹۶ ق.
۱۰. _____، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۳ ش.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۵۳.
۱۲. لیوزیین، کاربردهای بی‌نهایت، ترجمه منوچهر میثاقیان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱ ش.